



دانشکده روان‌شناسی

روان‌شناسی اسلامی گرایش مثبت‌گرا

پایان‌نامه کارشناسی ارشد

نقش تقوا و مزاج بر رفتار بر اساس منابع اسلامی

استاد راهنما

حجت الاسلام دکتر محمد صادق شجاعی

سید محمد حسین سیادت

بهمن ۱۳۹۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت

بسمه تعالی

صورت جلسه دفاع پایان نامه

با تأیید است خدای تعالی و با استعانت از حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه)

جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد جناب آقای سید محمد حسین بیادست رشته: روان شناسی اسلامی گرایش روان شناسی مثبت گرا

تحت عنوان: نقش تقوا و مزاج بر رفتار بر اساس منابع اسلامی

با حضور استاد و راهنما، استاد مشاور و هیأت داوران در مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت در تاریخ ۱۳۹۷/۱۲/۲ برگزار گردید و پایان نامه

ایشان با کسب نمره به عدد: ۷۵ به حروف: هشتاد و پنج درصد با درجه خوب پذیرفته شد.

نام و نام خانوادگی	مرتبه علمی	امضاء
مدیر گروه: حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر محمد رضا احمدی	استاد	
استاد راهنما: حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر محمد صادق شجاعی	استاد	
استاد داور: حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر رحیم ناروئی نصرتی	دانشیار	
نماینده تحصیلات تکمیلی: حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای محمد رضا کریمی	مربی	
کارشناس تحصیلات تکمیلی: جناب آقای مصطفی زارعی		

معاون آموزشی مؤسسه

سید حسین رکن الدینی



دانشکده روان‌شناسی

روان‌شناسی اسلامی گرایش مثبت‌گرا

پایان‌نامه کارشناسی ارشد

نقش تقوا و مزاج بر رفتار بر اساس منابع اسلامی

استاد راهنما

حجت الاسلام دکتر محمد صادق شجاعی

سید محمد حسین سیادت

بهمن ۱۳۹۶

بسمه تعالی

تعهدنامه اصالت پایان نامه

اینجانب سید محمد حسین سیادت فرزند سید محمد حسن متولد ۱۳۶۴/۱۲/۳ به شماره شناسنامه ۴۰۶۲ صادره از قم به شماره دانش پژوهی ۹۳۱۴۰۰۳ رشته روان شناسی اسلامی گرایش مثبت گرا متعهد میشوم که مطالب مندرج در این پایان نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این زمینه از آنها استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مآخذ ذکر گردیده است.

این پایان نامه قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است. در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط مؤسسه از اعتبار ساقط خواهد شد.

نام و نام خانوادگی دانش پژوه

امضاء

حقوق مادی و معنوی پایان نامه

چاپ و انتشار پایان نامه های تحصیلی دانش پژوهان مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت بیانگر بخشی از فعالیت های علمی-پژوهشی مؤسسه است.

اینجانب سید محمد حسین سیادت دانش پژوه رشته روان شناسی اسلامی گرایش مثبت گرا مقطع کارشناسی ارشد، متعهد میگردم موارد ذیل را در خصوص حقوق مادی و معنوی پایان نامه ام با موضوع:

نقش تقوا و مزاج بر رفتار بر اساس منابع اسلامی

رعایت نمایم و در صورت تخلف از موارد ذیل، کلیه تبعات حقوقی آن بر عهده اینجانب خواهد بود:
در صورت اقدام به چاپ پایان نامه، مراتب را قبلاً به صورت کتبی به معاونت پژوهش مؤسسه اطلاع دهم و در صورت تمایل مؤسسه به چاپ پایان نامه به صورت کتاب، اولویت با مؤسسه خواهد بود.

در صورت موافقت معاونت پژوهش با چاپ پایان نامه به صورت کتاب توسط دانش پژوه، در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل چاپ گردد:

کتاب حاضر حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته رشته روان شناسی اسلامی گرایش مثبت گرا است که در سال ۱۳۹۶ در مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت به راهنمایی آقای حجه الاسلام دکتر محمد صادق شجاعی از آن دفاع شده است.

به منظور غنی سازی منابع و مآخذ کتابخانه مؤسسه، دو نسخه از آن به کتابخانه و دو نسخه نیز جهت بهره برداری به معاونت پژوهش اهدا خواهد شد.

نام و نام خانوادگی دانش پژوه

امضا

تقدیر و تشکر

خداوند منان را سپاس می‌گوییم که به من توفیق داد تا این پلیماننامه را به انجام
برسانم. از پدر و مادرم که در تربیت من از جان مایه گذاشتند از صمیم قلب
تشکر می‌کنم. از استاد ارجمند؛ استاد راهنما حجت الاسلام و المسلمین آقای
حجت الاسلام دکتر محمد صادق شجاعی که با راهنمایی‌های ایشان، این پایان
نامه به ثمر نشست، کمال تشکر را دارم. برای ایشان سلامتی، عزت، سربلندی و
موفقیت روزافزون را از درگاه احدیت مسئلت می‌نمایم.

من الله التوفیق

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش تقوا و مزاج بر رفتار صورت گرفته است. روش به کار رفته در این پژوهش توصیفی - تحلیلی بود. برای دستیابی به این هدف ابتدا مباحث و موضوعات مربوط به تقوا و مزاج از طریق بازنگری متون و منابع دینی و نظریه‌های دانشمندان مسلمان استخراج شد. در مرحله بعد داده‌های گردآوری شده با توجه به اهداف پژوهش مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. نتایج این پژوهش در ارتباط با نقش تقوا روی رفتار نشان داد که تقوا یا به عبارتی خویشتن‌بانی و حفظ کردن خویش از عذاب الهی به وسیله اطاعت از اوامر خدا و ترک نواهی او با اثرگذاری بر کیف‌های نفسانی یعنی علم، اراده، قدرت، خلق، لذت و ألم، رفتار را شکل می‌دهد و نه تنها بر رفتار اثر می‌گذارد بلکه بر جسم و مزاج انسان نیز اثرگذار است. در پاسخ به سوال دوم پژوهش یعنی نقش مزاج بر رفتار نیز یافته‌های پژوهش نشان داد که مزاج نیز بر رفتار اثرگذار است و هر مزاجی مستلزم رفتاری خاص است. در روایات معتبر و خصوصاً کتب اربعه سخن از مزاج و تأیید آن توسط اهل بیت علیهم السلام سخن فراوان به میان آمده و روایات فراوانی در توصیه به تعدیل مزاج وارد شده است. مزاج که، کیفیتی است که در نتیجه کنش و واکنش بین کیفیت‌های متضاد عناصر موجود در بدن انسان شکل می‌گیرد، حاصل اثرگذاری اموری است که بر تک‌تک موارد و اثرگذاری آنها بر جسم و رفتار انسان روایت فراوان است از جمله طعام، وراثت، اقلیم‌های آب و هوایی و دوره‌های سنی که مجموع این عوامل مزاجی خاص را برای فرد شکل می‌دهد و مستلزم رفتاری خاص برای فرد می‌باشند.

کلمات کلیدی: رفتار، تقوا، معنوی، زیستی، مزاج، منابع اسلامی.

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات و تعریف مفاهیم ۱

۱-۱- مقدمه ۲

۱-۲- بیان مسئله ۳

۱-۳- اهمیت و ضرورت پژوهش ۷

۱-۴- اهداف پژوهش ۷

۱-۵- پرسش‌های پژوهش ۸

۱-۶- روش پژوهش ۸

۱-۷- تعریف مفاهیم: ۸

۱-۷-۱- تقوا ۸

۱-۷-۲- مزاج ۸

۱-۷-۳- رفتار ۹

فصل دوم: پیشینه و ادبیات پژوهش ۱۰

۲-۱- تبیین رفتار در مکاتب روان‌شناسی ۱۱

۲-۱-۱- تبیین رفتار در مکتب تداعی‌گرایی ۱۱

۲-۱-۲- تبیین رفتار در مکتب ساخت‌گرایی ۱۲

۲-۱-۳- تبیین رفتار در مکتب کارکردگرایی ۱۳

۲-۱-۴- تبیین رفتار در مکتب روان‌تحلیل‌گری ۱۳

۲-۱-۵- تبیین رفتار در مکتب رفتارگرایی ۱۴

- ۶-۱-۲- تبیین رفتار در مکتب انسان‌گرایی..... ۱۵
- ۷-۱-۲- تبیین رفتار در مکتب شناخت‌گرایی..... ۱۶
- ۲-۲- پیشینه پژوهش‌های مربوط به تبیین‌های زیستی رفتار..... ۱۶
- جدول ۱-۲: ویژگیهای مغز و مکانیز تاثیر آن روی رفتار..... ۱۸
- ۳-۲- تاثیر مزاج‌ها روی رفتار..... ۲۳
- ۴-۲- عوامل و فرایندهای ارادی رفتار..... ۲۶
- ۵-۲- تحقیقات در باره تقوا و مزاج و نقش آن روی رفتار..... ۳۰
- ۱-۵-۲- تقوا..... ۳۰
- ۱-۱-۵-۲- مولفه‌های مفهومی تقوا..... ۳۱
- ۲-۱-۵-۲- نقش و مکانیزم تاثیر تقوا روی رفتار..... ۳۲
- ۳-۱-۵-۲- رویکرد فلسفی به تاثیر تقوا روی رفتار..... ۳۳
- ۴-۱-۵-۲- رویکرد علمای اخلاق به تاثیر تقوا روی رفتار..... ۳۴
- ۵-۱-۵-۲- رویکرد روان‌شناختی به تاثیر تقوا روی رفتار..... ۳۴
- ۲-۵-۲- مزاج..... ۳۶
- ۱-۲-۵-۲- رابطه مزاج و تقوا از دیدگاه اطبا اسلامی..... ۳۶
- ۲-۲-۵-۲- رابطه مزاج و تقوا از دیدگاه علمای اخلاق..... ۳۷
- ۳-۲-۵-۲- رابطه مزاج و تقوا از دیدگاه فلاسفه..... ۳۸

فصل سوم: مفهوم‌شناسی تقوا و نقش آن بر رفتار در منابع اسلامی..... ۴۰

- ۱-۳- مفهوم‌شناسی تقوا..... ۴۱
- ۱-۱-۳- تقوا در لغت..... ۴۱
- ۲-۱-۳- کاربرد فعل وقی..... ۴۲
- ۳-۱-۳- استعمال ماده وقی در باب افتعال(اتقاء)..... ۴۲
- ۴-۱-۳- بررسی گونه اسمی واژه وقی(تقوی)..... ۴۳
- ۵-۱-۳- مفهوم‌شناسی تقوا بر اساس آیات قرآن..... ۴۳
- ۲-۳- نقش تقوا بر رفتار بر اساس آیات و روایات..... ۴۴

۴۴.....	۱-۲-۳- رفتار عاقلانه.....
۴۹.....	۳-۲-۲- رفتار اجتنابی.....
۵۰.....	۳-۲-۳- رفتار توأم با سکینه و آرامش.....
۵۳.....	۳-۲-۴- رفتار سازگارانه.....
۵۴.....	۳-۲-۵- رفتار صادقانه و انجام وظایف مالی.....
۵۶.....	۳-۳- تأثیر تقوا بر رفتار از طریق کیف‌های نفسانی.....
۵۷.....	۳-۳-۱- علم.....
۵۹.....	۳-۳-۲- اراده.....
۶۱.....	۳-۳-۳- قدرت.....
۶۲.....	۳-۳-۴- خلق.....
۶۵.....	۳-۳-۵- لذت و ألم.....
۶۵.....	۳-۳-۵-۱- اقسام لذت و ألم:.....
۶۷.....	۴-۳- نقش تقوا بر مزاج.....
۷۰.....	فصل چهارم: مفهوم‌شناسی مزاج و نقش آن بر رفتار براساس منابع اسلامی.....
۷۱.....	۱-۴- مفهوم‌شناسی مزاج.....
۷۱.....	۱-۱-۴- مزاج در لغت.....
۷۲.....	۲-۱-۴- مزاج در اصطلاح.....
۷۲.....	۳-۱-۴- مفهوم‌شناسی مزاج بر اساس آیات و روایات.....
۷۳.....	۲-۴- مبانی نظری مزاج در منابع اسلامی.....
۷۳.....	۴-۱-۲- مزاج در طب اسلامی.....
۷۷.....	۴-۲-۲- مبانی نظری مزاج در اندیشه‌های اخلاقی.....
۷۸.....	۴-۲-۳- مبانی نظری مزاج در اندیشه‌های فلسفی.....
۸۰.....	۴-۲-۴- مزاج در روایات.....
۸۱.....	۳-۴- اعتدال مزاج در منابع اسلامی.....
۸۲.....	۴-۳-۱- اعتدال مزاج در طب اسلامی.....

- ۸۴.....۲-۳-۴ اعتدال مزاج از دیدگاه علماء اخلاق.....
۸۵.....۳-۳-۴ اعتدال مزاج در کتب فلسفی و عرفانی.....
۸۷.....۴-۳-۴ اعتدال مزاج در روایات.....
۹۰.....۴-۴-۴ نقش مزاج بر رفتار در منابع اسلامی.....
۹۱.....۴-۴-۱-۱-۴-۴ پیشایندهای مزاج و نقش آن روی رفتار.....
۹۱.....۴-۴-۱-۱-۴-۴ وراثت.....
۹۲.....۴-۴-۲-۱-۴-۴ تغذیه.....
۹۴.....دوره‌های سنی.....
۹۵.....اقلیم و وضعیت آب و هوایی.....
۹۶.....۴-۵-۴-۴ نقش مزاج بر تقوا.....

فصل پنجم: تحلیل، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری..... ۹۹

- ۱۰۰.....۵-۱-۵-۴ تفسیر نتایج مربوط به پرسش‌های پژوهش.....
۱۰۰.....۵-۱-۱-۴-۵ تفسیر نتایج مرتبط با پرسش اول پژوهش.....
۱۰۰.....۵-۱-۱-۴-۵ تفسیر نتایج مرتبط با مفهوم‌شناسی تقوا.....
۱۰۲.....۵-۱-۱-۴-۵ تفسیر نتایج مرتبط به نقش تقوا بر رفتار.....
۱۰۳.....۵-۱-۲-۴-۵ تفسیر نتایج مرتبط با سوال دوم پژوهش.....
۱۰۳.....۵-۱-۲-۴-۵ تفسیر نتایج مرتبط به نقش مزاج بر رفتار.....
۱۰۵.....۵-۲-۲-۴-۵ تأثیر و تأثر تقوا و مزاج.....
۱۰۶.....۵-۲-۵-۴ محدودیت‌ها و پیشنهادات.....

فهرست منابع..... ۱۰۷

- ۱۰۷.....منابع فارسی.....
۱۰۹.....منابع عربی.....
۱۱۰.....مقالات و پایان‌نامه‌ها.....

فصل اول:

کلیات و تعریف مفاهیم

۱-۱- مقدمه

حقیقت و شخصیت انسان در رفتار وی جلوه گر می شود. به همین خاطر، روان‌شناسان از آن به موضوع روان‌شناسی یاد کرده و همواره سعی کرده‌اند عوامل و فرایندهای موثر بر رفتار را شناسایی کنند. تمام مکاتب روان‌شناسی برای تبیین رفتار، چگونگی شکل‌گیری رفتار، تداوم و یا تغییر رفتار، نظرات خاص خود را دارند. بعضی محیط را علت شکل‌گیری رفتار می‌دانند و بعضی بدن انسان و عوامل فیزیولوژی بدن را، بعضی به سراغ شناخت انسان می‌روند و بعضی برای فهم رفتار به کنکاش در مورد گذشته انسان می‌پردازند و در نهایت ده‌ها مکتب روان‌شناسی با ده‌ها تحلیل و تبیین از رفتار شکل گرفته است.

در اسلام بر عمل و بر چگونگی آن بسیار تأکید شده و رفتار عامل سعادت و شقاوت انسان معرفی گردیده است زیرا با رفتار صحیح و مطابق با دستورات دینی انسان به فلاح می‌رسد. تقوا همان اوامر و نواهی و دستورات خداوند است که در صورت عمل انسان به آن، سعادت در دنیا و آخرت او را فراهم می‌کند. و در نتیجه تقوا رفتاری متناسب با آن را در پی دارد. بنابراین می‌توان تقوا را به عنوان عاملی معرفی کرد که بر رفتار اثر می‌گذارد، آن را شکل می‌دهد، تداوم می‌بخشد و یا موجب تغییر رفتاری می‌شود. انسان متقی در طول زندگی تلاش می‌کند تا رفتارش را مطابق اوامر و نواهی خداوند قرار دهد و از آن تخطی نکند.

اما مزاج نیز از عواملی است که در روایات بر آن تأکید شده و توصیه‌های فراوان بر حفظ اعتدال آن دیده می‌شود. هر مزاجی آنگونه که در کتب طبی بیان شده مستلزم رفتار خاصی می‌باشند. در صورتی که شخص اعتدال مزاج نداشته باشد، اصلاح اخلاق و به کارگیری تقوا دشوار و سخت می‌شود و با اعتدال مزاج مسیر هموارتر می‌شود تا جایی که در کتب فلسفی و عرفانی برای انسان کامل معتدل‌ترین مزاج را قائل هستند.

بنابراین دو عامل تقوا و مزاج که یکی نفس و روح انسان را شکل می‌دهد و دیگری جسم و بدن انسان را در وضعیت اعتدال قرار می‌دهد، به عنوان دو عامل تأثیرگذار بر رفتار می‌باشند که بررسی آنها برای تبیین و تحلیل رفتار ضروری به نظر می‌رسد که در این پژوهش به آن پرداخته خواهد شد.

۲-۱- بیان مسئله

هر علمی به یک موضوع مشاهده‌پذیر و اندازه‌پذیر نیازمند است و در روان‌شناسی آن موضوع رفتار است (اتکینسون و هیلگارد، ۱۳۹۱). رفتار در لغت اصطلاح کلی و پوششی برای اعمال، فعالیت‌ها، پاسخ‌ها، عکس‌العمل‌ها، حرکات و عملکردها و بطور خلاصه هر واکنش قابل سنجش ارگانیسم می‌باشد (ربر، ۱۳۳۸) و در اصطلاح یعنی عملی که از فرد سر می‌زند یا سخنی که بر زبان می‌آورد (سیف، ۱۳۹۱). در رویکرد رفتاری این اصطلاح دقیق‌تر تعریف می‌شود: هر فعالیتی که ارگانیسم انجام می‌دهد و به وسیله ارگانیسم دیگر قابل مشاهده و اندازه‌گیری است (سیف، ۱۳۹۱).

رفتار انواع مختلفی دارد برای تبیین چگونگی ایجاد و دامنه‌ی مختلف رفتار، نظریه‌های متفاوتی وضع شده است و برای تغییر و اصلاح‌شان، روش‌ها و فنون متنوعی به وجود آمده است (سیف، ۱۳۹۱). فروید معتقد بود که بیشتر رفتار شخص تحت تأثیر نیروهای ناهشیار و تجارب کودکی اولیه است (غضنفری، ۱۳۸۰، ص ۲۲). در مکتب رفتارگرایی که جان بی. واتسون آن را بنا نهاد نوعی گرایش نظری بر اساس این فرض است که روان‌شناسی علمی فقط باید رفتار قابل مشاهده را مطالعه کند (ویتن، ۱۳۸۰، ص ۸). بی. اف. اسکینر معتقد بود که محرک‌های بیرونی کل رفتار را کنترل می‌کند بنابراین اگر شما تصور می‌کنید که اعمال‌تان حاصل تصمیم‌گیری‌های هشیار است، در اشتباه هستید، به عقیده اسکینر ما همگی توسط محیط‌مان، نه خودمان کنترل می‌شویم، خلاصه اینکه اسکینر نتیجه گرفت اراده آزاد تصور غلطی است (ویتن، ۱۳۸۰، ص ۱۱). در روان‌شناسی انسان‌گرایی بر ویژگی‌های منحصر بفرد انسان مخصوصاً آزادی و پتانسیل آنها برای رشد شخصی تأکید می‌شود. آنها معتقدند که انسان‌ها آلت دست میراث حیوانی و یا شرایط محیطی‌شان نیستند و پژوهش درباره حیوانات ربط چندانی به آگاهی از رفتار انسان ندارد. برجسته‌ترین معماران این جنبش کارل راجرز و آبراهم مزلو بودند. راجرز باور داشت که رفتار انسان عمدتاً، توسط درک خود یا خودپنداره هر فرد کنترل می‌شود، که احتمالاً

حیوانات از آن بی بهره‌اند، او معتقد بود برای شناخت کامل رفتار انسان باید سایق‌های اساسی به سمت رشد شخصی را در نظر گرفت (ویتن، ۱۳۸۰). نظریه‌پردازان شناختی معتقدند برای اینکه روان‌شناسی رفتار انسان را کاملاً درک کنیم باید رویدادهای ذهنی درونی را بررسی کنیم، طرفداران دیدگاه شناختی خاطرنشان می‌سازند که وقتی ما تصورات ذهنی را دستکاری می‌کنیم، بر نحوه رفتارکردنمان تأثیر می‌گذارد و در نتیجه تمرکز صرف روی رفتار آشکار، تصور ناقصی در اختیار می‌گذارد (ویتن، ۱۳۸۰، ص ۱۳). در طی چند دهه اخیر پیشرفت‌های مهمی در ساحت کارکرد مغز و دستگاه عصبی صورت گرفته است، این دانش موجب پیدایی مکتب روان‌شناسی مهمی به نام روان‌شناسی فیزیولوژیک و یا روان‌شناسی زیست شناختی شده است. روان‌شناسان زیست شناس، رفتار را نتیجه رویدادهای شیمیایی و زیست شناختی درون مغز می‌دانند (هافمن، ۱۳۸۰، ص ۵۸).

روان‌شناسان، روش‌های متنوع و متعددی را برای تنظیم و یا تغییر و اصلاح رفتار پیشنهاد نموده‌اند اما از آن‌جا که دانش روان‌شناسی از یک پشتوانه معنوی قوی برخوردار نبوده است و روان‌شناسان مطالعه خود درباره تنظیم رفتار را از طریق تعمیم یافته‌های حیوانی آغاز کرده‌اند، کمتر در این زمینه موفق بوده‌اند (شجاعی، ۱۳۹۴، ص ۱۴). از این‌رو در سال‌های اخیر روان‌شناسان به بررسی عوامل معنوی مؤثر بر رفتار پرداخته‌اند و از جمله عوامل معنوی، جهت تحلیل و پیش بینی رفتار بر روی سازه‌ای به نام «خودمهارگری» متمرکز شده‌اند. پژوهش درباره خودمهارگری به صورت چشم‌گیری افزایش یافته. پژوهشگران دریافته‌اند خودمهارگری از یک‌سو نتایج مهم زندگی را پیش‌بینی می‌کند و از سوی دیگر پیش‌بینی کننده‌ای معتبر برای رفتار مشکل‌ساز و آسیب‌شناسانه به شمار می‌رود (رفیعی‌هنر، ۱۳۹۰، ص ۲۳). روان‌شناسی دین یکی از شاخه‌های روان‌شناسی است که به جایگاهی برای بحث درباره خودمهارگری تبدیل شده است. در این عرصه از یک جهت، با مطالعاتی در زمینه بررسی رابطه متغیرهای دینی با خودمهارگری و از جهتی دیگر، با تحلیل روان‌شناختی در زمینه توان دین در پرورش خودمهارگری و نقش آن در تسهیل این موضوع، مواجه می‌شویم (رفیعی‌هنر، ۱۳۹۵، ص ۱۰۳).

در آموزه‌های اسلام به صورتی خاص، بر مهار خویشتن در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی تأکید شده و این موضوع در قالب مفاهیمی همچون تقوا، محاسبه نفس و غیره مطرح شده است (رفیعی‌هنر، ۱۳۹۵، ص ۲۷). بر اساس تحلیل‌های فلسفی-اسلامی اراده انسان در راستای اراده خداوند قرار دارد و اگر انسان توانایی مقابله با هوای نفس را پیدا کند، به سبب نیروی است که خدا به او داده

است. این مسئله، یکی از امتیازات مهم مهارخویشتن با استفاده از نگاه اسلامی در مقایسه با خودمهارگری روان‌شناسی است (رفیعی‌هنر، ۱۳۹۵، ص ۲۶). بنابراین تقوا شناخت و معرفتی ویژه به همراه دارد و از این طریق، بر نخستین مرحله بروز رفتار آگاهانه تأثیر می‌گذارد (موسوی‌نسب، ۱۳۸۵، ص ۶۰). رفیعی‌هنر (۱۳۹۵) در اثری به نام روان‌شناسی مهار خویشتن تلاش کرده است تا با تلفیق تقوا و عقل مفهوم خودمهارگری را در منابع اسلامی بازشناسی کند. محقق مذکور در نقش تقوا بر رفتار، تقوا را به عنوان مهار با انگیزه مقدس تعریف کرده و نقش آن را در بازداري رفتار مورد بررسی قرار داده است. اما در طب برای تحلیل رفتار به سراغ مزاج می‌روند و به این قائل هستند که هر مزاجی، رفتار خاصی را پدید می‌آورد (خیراندیش، ۱۳۹۴، ص ۱۶). مزج به معنای آمیختن و تداخل اجزایی است که پس از اختلاط، متمایز هستند (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۱ ص ۹۸). مزاج‌ها و طبایع اربعه که شامل صفرا و سودا و دم و بلغم می‌باشند، از ارکان اربعه تشکیل شده‌اند ابن سینا در این باره می‌گوید: ارکان نوعی اجسام بسیط هستند که اجزای اولیه تن آدمی و موجودات دیگر را تشکیل می‌دهند (بوعلی، ترجمه مسعودی، ۱۳۸۶). ما هر غذایی که می‌خوریم، هنگامی که وارد بدن ما می‌شود، با هضم در معده، به کبد می‌رود، در کبد چهار خلط (رکن) یا چهار نوع مایع به نام «خلط دم» که دارای مزاج و طبع گرم و تر است، «خلط صفرا» که دارای مزاج گرم و خشک است، «خلط بلغم» که دارای مزاج سرد و تر است و «خلط سودا» که دارای مزاج سرد و خشک است، تولید می‌شود. اخلاط و طبایع از عناصر اربعه منبعث و خواص آنها را با خود همراه دارند. بنابراین، دم، چون عنصر هوا، خلطی گرم و مرطوب است و صفرا، مانند عنصر آتش خلطی گرم و خشک می‌باشد و مزاج صفراوی مزاجی گرم و خشک است. بلغم، مانند عنصر آب، سرد و مرطوب و مزاج بلغمی نیز سرد و مرطوب است. سودا، چون عنصر خاک سرد خشک و مزاج سوداوی نیز سرد و خشک می‌باشد (عظیمی، ۱۳۹۳). بنابراین مزاج، کیفیتی است که در نتیجه کنش و واکنش بین کیفیت‌های متضاد عناصر به وجود آید، و آن هنگامی است که این واکنش متقابل به اندازه مقتضی متوقف گردد و عناصر متضاد، به مسالمت با یکدیگر رسند (بوعلی، ترجمه مسعودی، ۱۳۸۶).

علماء اخلاق، اصلاح اخلاق را وابسته به اصلاح بسیاری از مسائل دیگر می‌دانند. یکی از آن مسائل، اصلاح مزاج و تعدیل آن می‌باشد، تا جایی که اصلاح اخلاق را در مزاج نامتعادل دشوار می‌دانند و بر این عقیده‌اند که اگر این‌ها اصلاح شوند، روح آسان‌تر می‌تواند، مسیر سعادت را طی

کند (عظیمی، ۱۳۹۳). بر اساس دیدگاه علماء اسلامی (حسن زاده آملی) استکمال نفس ناطقه که ترقی وی از عقل هیولانی تا بمرتبه عقل مستفاد و مافوق آنست بدون کمال بدن که صحت آنست صورت نپذیرد و یا به تعبیر دیگر انسان با کمک کشتی بدن تواند که در دریای بیکران هستی سیر کند، و کافل حفظ و سلامت این کشتی علم شریف طب و طبیب عزیز است. چه فخر و مباحاتی و کدام پایه و سرفرازی برتر از این که چنین موهبت خدای سبحان نصیب نصاب انسان گردد و به هر اندازه ارکان مزاج بایسته تر، و اعتدال مزاج شایسته تر، و اندام آدمی موزون و آراسته تر، و تندرستی آن دلخواسته تر بود، قابلی قوی تر و شریف تر برای بفعلیت رسیدن کمال انسانی وی بود (حسن زاده آملی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۲). مرحوم نراقی در این باره می گوید: سرشت و مزاج انسانی را دخالت و تأثیری تمام در صفات و ملکات اخلاقی است. برخی از مزاجها در اصل آفرینش مستعد بعضی خلق و خویهاست و برخی دیگر مناسب و مقتضی خلاف آن. و ما به یقین در می یابیم که بعضی از افراد، صرف نظر از اسباب و علل خارجی، بر حسب جبلت خود چنانند که با کمترین سببی به خشم می آیند یا می ترسند یا غمگین می شوند، و با کمترین چیز تعجب آوری می خندند، و بعضی دیگر بر خلاف اینانند (نراقی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۵).

سخن در باب اهمیت اعتدال مزاج همین بس که برخی بر این عقیده اند که اهمیت کار انبیا در اظهار معجزات، به تصرف در مزاج اشیا و به اعتدال رساندن مزاج آنها در آن واحد بوده است که در صورت عادی، چنین به اعتدال رسیدنی محتاج زمان زیادی خواهد بود که البته تصرفات و کرامات عارفان نیز از همین قبیل است (غزالی، ۱۴۱۶ ق، ص ۳۴۸). همچنین اختلاف مزاج موجب اختلاف احوال سالکان طریق حق میشود و در عین حال که طریق حق واحد است فی الجمله دوری و نزدیکی به اعتدال مزاج موجب اختلاف در وجوه این طریق واحد شده است (ابن عربی، ۱۳۶۷ ق، ص ۲). عظیمی (۱۳۹۳) در تبیین رابطه اخلاق و طبایع اربعه چنین نتیجه گرفته است که بین اخلاق و طبایع اربعه رابطه تنگاتنگی وجود و کسانی که نگاه شان به انسان تک بعدی باشد یقیناً به درک وافر و جامعی از انسان پی نخواهند برد و با در نظر گرفتن اصل تعادل در طبایع و مزاجها، دیدگاه جامع و کاملی به بحث های اخلاقی پیدا خواهیم کرد و در پیش برد زمینه اخلاقی در فرد و جامعه بیشتر موفق خواهیم بود.

عبدالرسول عبودیت در کتاب نظام حکمت صدرایی در فصلی مجزا به بررسی مزاج پرداخته و در نهایت چنین نتیجه می گیرند: دلیل بر رد مزاج و انکار آن کافی نیست؛ زیرا آثار گوناگون مترتب بر مزاج های متفاوت، در پزشکی قدیم به خوبی ثابت شده (عبودیت، ۱۳۹۲).

اما آنچه از پژوهش‌های مذکور نمایان می‌شود تمرکز بر تقوا بوده و کمتر تاثیر مزاج بر رفتار مطالعه شده است و بیشتر مطالب در حوزه مزاج در کتب طبی و اخلاقی یافت می‌شود و پژوهش‌های روان‌شناسی کمتر به آن پرداخته‌اند. تقوا به عنوان یک متغیر تأثیر به سزایی بر رفتار دارد اما مزاج هم از عوامل مؤثر بر رفتار می‌باشد که در کنار تقوا به عنوان یک متغیر محسوب می‌شود و رفتار خاصی از آن منبعث می‌شود و دارای سهمی از رفتار است. در پژوهش‌های روان‌شناختی و دینی آنچه دیده می‌شود نقش تقوا بر رفتار است و کمتر به بحث مزاج توجه شده است؛ موضوعی که پژوهشگر قصد انجام آن را دارد بررسی نقش دو عامل تقوا و مزاج بر رفتار می‌باشد.

۳-۱- اهمیت و ضرورت پژوهش

حقیقت و شخصیت انسان در رفتار وی جلوه‌گر می‌شود. به خاطر اهمیت رفتار، روان‌شناسان از آن به موضوع روان‌شناسی یاد کرده و همواره سعی کرده‌اند عوامل و فرایندهای مؤثر بر رفتار را شناسایی کنند. در دیدگاه اسلامی رفتار و یا عمل انسان منبعث و برخاسته از نفس و جسم او تعریف می‌شود و در پژوهش‌های روان‌شناختی نیز باید به این دو توجه کرد.

تقوا و توصیه مکرر به آن در آیات و روایات امری بدیهی و مسلم در منابع دینی می‌باشد عمل و التزام بر اساس تقوا، رفتاری خاص و متناسب با آن را شکل می‌دهد و اثرگذاری آن بر رفتار واضح و غیر قابل انکار است.

اما مزاج که ریشه در روایات و کتب طب اسلامی دارد از عواملی است که منجر به رفتاری متناسب با آن مزاج می‌شود و شناخت مزاج کمک فراوانی به شناخت فرد، حالات و رفتار او می‌شود. بنابراین با توجه به اهمیت تقوا و مزاج به عنوان دو عامل تأثیر گذار بر رفتار که یکی ریشه در نفس و دیگری ریشه در جسم انسان دارد ضروری به نظر می‌رسد.

۴-۱- اهداف پژوهش

هدف اصلی: بررسی نقش تقوا و مزاج به عنوان دو عامل تأثیرگذار بر رفتار بر اساس منابع اسلامی.

هدفهای فرعی:

بررسی نقش تقوا بر رفتار

بررسی نقش مزاج بر رفتار.

۵-۱- پرسش‌های پژوهش

پرسش اصلی: تقوا و مزاج چه تاثیری بر رفتار دارند؟

۶-۱- روش پژوهش

با توجه به هدفهای یاد شده در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی استفاده می‌شود. شیوه کار به این صورت خواهد بود که ابتدا پیشینه و مبانی نظری تقوا و مزاج در منابع اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و سپس نقش آنها روی رفتار تبیین خواهد شد.

۷-۱- تعریف مفاهیم:

۱-۷-۱- تقوا

تقوا در لغت به معنای حفظ و صیانت از هر چیز زیان‌بار است (ایزوتسو، ۱۳۶۸، ص ۳۵). تقوا در اصطلاح عبارت است از خویش‌نمایی یا نگه داشتن و حفظ کردن خویش از عذاب الهی (قهر خدا، دوری از خدا) و این تحفظ و طلب وقایه به وسیله اطاعت از اوامر خدا و ترک نواهی او می‌باشد (صفری، ۱۳۷۴، ص ۲۶۰).

۱-۷-۲- مزاج

مزج به معنای آمیختن و تداخل اجزایی است که پس از اختلاط، متمایز هستند. و کلمه مزاج مصدر و به معنای ممزوج به کار برده شده است. و اما در اصطلاح مزاج، کیفیتی است که در نتیجه کنش و واکنش بین کیفیت‌های متضاد عناصر به وجود می‌آید و آن هنگامی است که این واکنش متقابل به اندازه مقتضی متوقف گردد و عناصر متضاد، به مسالمت با یکدیگر برسند و هرگاه عناصر، با نیروهای (کیفیات) خود در عناصر دیگر به کنش و واکنش ادامه دهد، پس از استحاله؛ از آن مجموع، کیفیتی که با همه آن عناصر شباهت دارد، به وجود می‌آید، که به آن کیفیت جدید، مزاج گویند (ابن سینا،

ترجمه مسعودی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۳۴۱).

۱-۷-۳- رفتار

رفتار در لغت، اصطلاحی کلی و پوششی برای اعمال، فعالیت‌ها، پاسخ‌ها، عکس‌العمل‌ها، حرکات و عملکردها می‌باشد. رفتار در اصطلاح روان‌شناسان، یعنی عملی که از فرد سر می‌زند یا سخنی که بر زبان می‌آورد که قابل سنجش ارگانیزم باشد (سیف، ۱۳۹۱، ص ۱۰).

فصل دوم:

پیشینه و ادبیات پژوهش

حقیقت و شخصیت انسان در رفتار وی جلوه‌گر می‌شود. به خاطر اهمیت رفتار روان‌شناسان از آن به موضوع روان‌شناسی یاد کرده و همواره سعی کرده‌اند عوامل و فرایندهای موثر بر رفتار را شناسایی کنند. یک بخش از پژوهش‌ها به عوامل زیستی - معنوی رفتار اختصاص یافته است. در این فصل، ضمن اشاره به جایگاه رفتار در مکاتب مختلف روان‌شناسی، پیشینه پژوهش‌های مربوط به عوامل زیستی - معنوی آن اشاره می‌شود.

۲-۱- تبیین رفتار در مکاتب روان‌شناسی

هر علمی به یک موضوع مشاهده‌پذیر و اندازه‌پذیر نیازمند است و در روان‌شناسی آن موضوع رفتار است، بنابراین ما هر آنچه را که در روان‌شناسی مطالعه می‌کنیم باید از طریق رفتار، قابل مشاهده باشد (اتکینسون و هیلگارد، ۱۳۹۱، ص ۲۰). رفتار در لغت، اصطلاحی کلی و پوششی برای اعمال، فعالیت‌ها، پاسخ‌ها، عکس‌العمل‌ها، حرکات و عملکردها و بطور خلاصه هر واکنش قابل سنجش ارگانیسم می‌باشد (ربر، ۱۳۶۸، ص ۳۵). و رفتار در اصطلاح، یعنی عملی که از فرد سر می‌زند یا سخنی که بر زبان می‌آورد (سیف، ۱۳۹۱، ص ۱۰).

۲-۱-۱- تبیین رفتار در مکتب تداعی‌گرایی

در اینکه چه کسی و یا چه کسانی بانی اصلی روان‌شناسی علمی بوده‌اند وحدت نظر دیده نمی‌شود اما همگی به اهمیت سهم جان لاک^۱ اذعان دارند و به یک معنا مکتب تداعی معانی، نخستین مکتب روان‌شناسی جدید به شمار می‌رود (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۳، ص ۲۳). جان لاک می‌گوید از کاوش‌های بیهوده در زمینه‌ی ماوراءالطبیعه و بحث‌های بی حاصل متافیزیک درباره‌ی روح، جوهر اشیاء و علل چشم پوشیم و به مطالعه‌ی آنچه قابل حصول است بپردازیم تا بتوانیم رفتار خود را به

^۱. John Locke

اقتضای فهم و درک خویش منظم نماییم (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۳، ص ۲۹). به گفته‌ی جان لاک ذهن کودک در ابتدا یک لوح نانوشته است و آنچه را که بر آن نقش می‌بندد حاصل کوشش‌های جامعه و محیط است (ساعتچی، ۱۳۷۷، ص ۳۴۹). لاک می‌پذیرد که افراد، مزاج‌ها و سرشت‌های خاص دارند اما در کل، محیط است که به ذهن شکل می‌دهد (ساعتچی، ۱۳۷۷، ص ۳۵۰). اما چگونه محیط به ذهن شکل می‌دهد؟ نخست بسیاری از اندیشه‌ها از طریق تداعی شکل می‌گیرد و سپس بسیاری از رفتارهای ما از طریق تکرار ایجاد می‌شود و سرانجام ما از طریق پاداش و تنبیه می‌آموزیم (ساعتچی، ۱۳۷۷، ص ۳۴۹). اخلاق از این دیدگاه عبارت است از مجموعه‌ای از اعمال و رفتارهای خاص مورد پذیرش جامعه که از طریق پاداش و تنبیه فرا گرفته شده باشد (ساعتچی، ۱۳۷۷، ص ۳۴۹).

۲-۱-۲- تبیین رفتار در مکتب ساخت‌گرایی

ساخت‌گرایی با تاسیس آزمایشگاه و روان‌شناسی تجربی به وسیله‌ی ویلهلم وونت^۱ مطرح گردید، اختراع انواع ماشین، قاطبه‌ی مردم در قرن هفدهم را به وجد آورد. لذا فکر بنیادی حاکم بر قرن هفدهم که روان‌شناسی جدید را نیز متأثر کرده بود، روح ماشین‌گرایی و یا تلقی جهان هستی به عنوان یک ماشین بزرگ بود و یکی از پیامدهای اصلی این تفکر این بود که اگر همه‌ی جهان شبیه ماشین است؛ یعنی منظم، قابل پیش‌بینی و قابل اندازه‌گیری است، پس چرا انسان؛ چنین نباشد؟ حاصل این چنین اندیشه‌ای این شد که طبیعت انسان نیز، ماشینی؛ شبیه ساعت تلقی گردید و در نتیجه همان روش‌های کمی و آزمایشگاهی برای بررسی و کشف انسان به کار گرفته شد (دفتر حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۳، ص ۲۵).

ساخت‌گرایان مانند وونت معتقد بودند همان‌گونه که عناصر هیدروژن و اکسیژن با هم می‌آمیزند تا ترکیب آب را به وجود آورند، عناصر تجربه‌ی هشیار برای تشکیل ترکیب‌های ذهن با هم آمیخته می‌شوند (هافمن، ۱۳۷۸، ص ۶). ساخت‌گرایی بر این عقیده استوار بود که تکلیف روان‌شناسی، تجزیه کردن هشیار به عناصر آن و بررسی چگونگی ارتباط این عناصر است و از روش خودنگری در مورد تجربه‌ی هشیار خودش، استفاده کردند و برای درون‌نگری افرادی را تربیت کردند که آزمودنی نامیده شد (ویتن، ۱۳۸۳، ص ۳۴).

^۱. Wilhelm Maximilian Wundt

۳-۱-۲- تبیین رفتار در مکتب کارکردگرایی

انتشار کتاب اصل انواع داروین به عنوان مهم‌ترین اثر در تاریخ تمدن غرب تأثیر زیادی بر مجامع روشنگری از جمله روان‌شناسی داشت و لامارک^۱ برای نخستین بار نظریه‌ی رفتاری تکامل را بیان نمود (دفتر حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۳). داروین اظهار می‌دارد که رفتار هیجانی در انسان‌ها میراث رفتاری است که زمانی برای حیوانات مفید بود اما دیگر هیچ‌گونه کاربرد و فایده‌ای ندارد (دفتر حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۳).

کارکردگرایی بر اساس این عقیده استوار بود که روان‌شناسی کارکرد و هدف هشیاری را به جای ساختار آن بررسی کند در حالی که ساخت‌گرایان به طور طبیعی به آزمایشگاه گرایش داشتند، کارکردگرایان به این موضوع علاقه داشتند که چگونه افراد رفتارشان را با ضروریات دنیای واقعی سازگار می‌کنند (ویتن، ۱۳۸۳). یعنی مطالعه اینکه چگونه ذهن کار می‌کند که موجود زنده قادر می‌شود با محیط خودش انطباق و سازگاری داشته باشد و در آن محیط کارکرد داشته باشد. و در نتیجه برای فهم آن، باید رفتار واقعی را مشاهده کنیم (هیلگارد و اتکینسون، ۱۳۸۶) نظریه تکامل، انگیزه‌ای برای مطالعه در زمینه‌ی روان‌شناسی حیوانی شد و پیش از آن برای مطالعه ذهن حیوان دلیلی در دست نبود (دفتر حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۳).

۴-۱-۲- تبیین رفتار در مکتب روان‌تحلیل‌گری

زیگموند فروید^۲ یک پزشک اتریشی بود که مجذوب شیوه تأثیرگذاری ذهن بر رفتار شده بود. فروید در روند طبابت خود با بیمارانی مواجه می‌شد که نشانه‌های بیماری را بدون پایه‌های فیزیولوژیکی آشکار می‌ساختند و فرض کرد باید علت‌های آنان روان‌شناختی باشد. وی با مطالعه بیشتر این بیماران متقاعد شد که تعارض بین آنچه مردم به عنوان رفتارهای قابل قبول می‌دانند و انگیزه‌های غیر قابل تبدیل آنها یعنی انگیزه‌هایی که عمدتاً ماهیت جنسی یا پرخاشگری دارند، علت این مشکلات است، فروید این انگیزه‌ها را نیروهای سوق دهنده‌ای دانست که در پس رفتار قرار دارند و در ناهشیار یعنی بخشی از ذهن که از آن آگاهی نداریم، نهان است (هافمن، ۱۳۷۸). او در ضمن متوجه

1. Jean-Baptiste Lamarck

2. Sigmund Schlomo Freud